

تحلیل گفتمان جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های ترکی

زهره عزتی*^۱ مریم دانای طوس^۲ محمدامین صراحی^۳

(تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۸، تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۲۱)

چکیده

این مقاله در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی و بر اساس الگوی فرکلاف به تحلیل و تفسیر جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های ترکی پرداخته است. هدف از تحقیق کیفی حاضر دستیابی به چگونگی بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های ترکی است. جامعه آماری این مطالعه ۱۶۶ ضرب‌المثل ترکی با موضوعیت زن است که به شیوه هدفمند از کتاب‌های ترکی حکمت لی مثل کر (سرودلیر، ۱۳۹۳) و برگزیده اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های ترکی قشقای (استوار، ۱۳۹۲) جمع‌آوری شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که تقریباً تعداد بازنمایی‌های مثبت و منفی از زن در ضرب‌المثل‌های ترکی به یک میزان است؛ اما در بیشتر موارد تصویری که از زن ارائه می‌شود، تصویری خنثی و عاری از هرگونه ارزش‌گذاری است. تبعیض و نابرابری جنسیتی در ضرب‌المثل‌های ترکی به‌ندرت دیده می‌شود. قدرت نه تنها بین زن و مرد؛ بلکه بین زنان نیز براساس نقشی که در خانواده ایفا می‌کنند، تقسیم شده است.

واژه‌های کلیدی: ضرب‌المثل، جنسیت، بازنمایی زن، ترکی، تحلیل گفتمان انتقادی، الگوی فرکلاف.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول).

* zohreh_ezzati30@yahoo.com

۲. استادیار زبان‌شناسی دانشگاه گیلان.

۳. استادیار زبان‌شناسی دانشگاه گیلان.

۱. مقدمه

ضرب‌المثل‌ها بخش مهمی از زبان به‌شمار می‌روند. آن‌ها جزئی از ادبیات شفاهی هستند که تقریباً در بیشتر زبان‌ها شنیده می‌شوند؛ ولی موضوعاتشان منحصر به جامعه‌ای است که از دل آن برخاسته است. به بیان دیگر، ضرب‌المثل‌ها فرهنگ هر جامعه را باز می‌تابانند. به طور کلی بررسی ادبیات شفاهی به‌ویژه ضرب‌المثل‌های هر جامعه بررسی باورها، اعتقادات، هنجارها، آداب و سنن آن جامعه است؛ زیرا ضرب‌المثل‌ها در جریان زندگی به‌وجود آمده و برخاسته از تجربه‌های افراد آن جامعه‌اند. بنابراین با مطالعه آن‌ها می‌توان به ساختار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن جامعه پی‌برد. تعاریف متعددی از ضرب‌المثل توسط دانشمندان عرب، ایرانی و غربی ارائه شده است که ذوالفقاری همه این نظرات را در تعریفی جامع این‌گونه گنجانده است:

مثل جمله‌ای است کوتاه، مشهور و گاه آهنگین، حاوی اندرزها، مضامین حکیمانه و تجربیات قومی مشتمل بر تشبیه، استعاره یا کنایه که به‌دلیل روانی الفاظ، روشنی معنا، سادگی، شمول و کلیت در میان مردم شهرت و رواج یافته و با تغییر یا بدون تغییر آن را به‌کار می‌برند (۱۳۹۲: ۲۵).

۲. ادبیات پژوهش

۲-۱. بیان مسئله

مسئله این پژوهش بازنمایی و نوع نگاه به زن در گفتمان ضرب‌المثل‌های ترکی است؛ به عبارت دیگر با تحلیل ضرب‌المثل‌های زنان در زبان ترکی تلاش می‌کنیم تا به درکی از نقش و جایگاه زن در فرهنگ جامعه ترک‌زبان دست یابیم. جنسیت یکی از مهم‌ترین بخش‌های هویت است که به‌طور اکتسابی و در دوره کودکی در انسان شکل می‌گیرد. جنسیت به روش‌های مختلف در ادبیات بازتاب می‌یابد، از آن جمله می‌توان به چگونگی معرفی نقش‌های مرد و زن، تعامل این دو با یکدیگر و نمادهای به‌کار رفته برای توصیف ویژگی‌های هر یک از این دو جنس اشاره کرد.

۲-۲. اهمیت و اهداف تحقیق

زنان یکی از سوژه‌های اصلی ضرب‌المثل‌ها هستند که در پژوهش‌های بسیاری به آنان پرداخته شده است. ضرب‌المثل به‌واسطه نوع بهره‌گیری‌اش از زبان و به‌واسطه

کارکردهای عملی، اجتماعی و الگویی که دارد، تصویری از انسان و جهان ارائه می‌کند که در نوع خود قابل توجه است. در تحلیل گفتمان انتقادی ادعا می‌شود که کنش‌ها/فعالیت‌های گفتمانی (که ضرب‌المثل‌ها نیز جزئی از آن به‌شمار می‌روند) به خلق و بازتولید مناسبات قدرت نابرابر میان گروه‌های اجتماعی از جمله میان طبقات اجتماعی، زنان و مردان، اقلیت و اکثریت قومی کمک می‌کند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۳: ۱۱۳). جنسیت یکی از عوامل شکل‌دهنده هویت است. بنابراین، مطالعه ارتباط بین زبان و جنسیت اهمیت خاصی پیدا می‌کند. هدف از انجام این تحقیق دستیابی به چگونگی بازنمایی مقوله جنسیت به طور کلی و زن به طور اخص در زبان ترکی با تکیه بر ضرب‌المثل‌هاست. در این تحقیق تنها بررسی ضرب‌المثل‌های ترکی آذربایجان و ترکی قشقایی مد نظر بوده است.

۲-۳. سؤالات تحقیق

با توجه به اهمیت ادبیات شفاهی در مطالعات زبانی و به‌خصوص ضرب‌المثل‌ها به‌عنوان زمینه مناسب بازنمایی زن، در مقاله حاضر تلاش می‌شود تا به برخی سؤالات پاسخ داده شود:

۱. در گفتمان ضرب‌المثل‌های ترکی زنان به چه صورت بازنمایی شده‌اند؟
۲. در چارچوب نظری تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌های این زبان چگونه تفسیر می‌شود؟

۳. پیشینه تحقیق

مقوله جنسیت و بازنمایی آن در ضرب‌المثل‌ها، موضوع پژوهش‌ها و مطالعاتی بوده است که در ادامه به اختصار به آن‌ها اشاره خواهد شد. لیکاف^۱ (۱۹۷۳) با مقاله «زبان و موقعیت زن» تحولی در مطالعات زبان‌شناسی اجتماعی پدید آورد. در مقاله وی دو محور اصلی بیان شده است که بعدها به دو رویکرد مجزا بدل شد: رویکرد تفاوت و رویکرد تسلط. در رویکرد تفاوت اعتقاد بر این است که تفاوت در زبان مردان و زنان ناشی از تفاوت‌های بنیادینی است که بین این دو جنس وجود دارد، مانند تفاوت‌های

بیولوژیکی، تفاوت در اجتماعی شدن و نوع رفتاری که در جامعه با آن مواجه می‌شوند؛ اما در رویکرد تسلط، اعتقاد بر این است که سلطه مردان بر زنان باعث ایجاد تفاوت در سخن گفتن این دو و سبب شده است تا زنان در اجتماع موقعیت پایین‌تری نسبت به مردان یابند.

پاک‌نهاد جبروتی (۱۳۸۱) در کتاب *فراست‌ی و فرودست‌ی در زبان* می‌گوید بر اساس تفکر جنسیت‌گرایی، جامعه به دو دسته فرادست و فرودست تقسیم می‌شود و بیشتر این زنان هستند که دسته فرودست جامعه را تشکیل می‌دهند. میلز^۲ (به نقل از پاک‌نهاد جبروتی، ۱۳۸۱) معتقد است که جنسیت‌زدگی در دو سطح جامعه و زبان روی می‌دهد؛ بدین صورت که الگوهای زبان جنسیت‌زده سبب به‌وجود آمدن افکار و دیدگاه‌های دوگانه در افراد و خلق جامعه‌ای جنسیت‌زده می‌شود و در چنین جامعه‌ای زبان تنها ابزار نمود جنسیت‌زدگی است. در نوع اول (در سطح زبان)، جنسیت‌زدگی با اصلاح زبان قابل رفع است؛ اما در نوع دوم (در سطح جامعه) این امر امکان‌پذیر نیست؛ زیرا مادامی که فرهنگی جنسیت‌زده باشد هر واژه و عبارت جدیدی که وارد زبان شود، سرانجام جنسیت‌زده می‌شود.

علی‌نژاد (۱۳۸۴) در مقاله «بررسی مبانی‌شناختی مقوله جنس در زبان فارسی» ادعا می‌کند که تمام زبان‌ها در زیرساخت جنسیت‌زده هستند؛ اما میزان این جنسیت‌زدگی از جامعه‌ای به جامعه دیگر فرق می‌کند. وی با رویکردی شناختی - تاریخی مقوله جنس دستوری را از ایران باستان تا فارسی معاصر بررسی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که جنس از سطح نحو زبان فارسی حذف شده است؛ ولی از آنجایی که جنسیت‌گرایی دارای ریشه‌های شناختی است و در اذهان مردم وجود دارد، این مقوله در واژگان، اصطلاحات و در سطح گفتمان باقی مانده است. به عبارت دیگر، جنسیت‌زدگی از طریق نحو (زیرساخت) به روساخت جملات و بافت معنایی راه پیدا می‌کند.

ذوالفقاری (۱۳۸۸) در مقاله «بررسی ضرب‌المثل‌های فارسی در دو سطح واژگانی و نحوی» ضرب‌المثل‌های فارسی را در دو سطح واژگان و نحو بررسی کرده است. روش تحقیق وی توصیفی - تحلیلی و به صورت مطالعه موردی است. داده‌های این مطالعه پنجاه ضرب‌المثل جمع‌آوری شده از پنج منبع مکتوب است. در سطح واژگان عواملی

از قبیل میزان کاربرد واژگان ممنوع، بیگانه، عامیانه، شکسته و تغییر و جابه‌جایی واژگان در محور جانشینی بررسی شده است. و در سطح نحو نیز مباحثی از قبیل اجزای جمله‌های مثلی، حذف اجزای جمله‌های مثلی، ساختمان فعل و وجه^۳ مورد بررسی قرار گرفتند.

پرستش و ساسانی‌خواه (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی جنسیت در گفتمان رمان (۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴)» به بازنمایی جنسیت در رمان‌های ایرانی که زنان در دوره اصلاحات، یعنی بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴ مؤلف آن بودند، پرداخته‌اند. روش تحقیق آن‌ها رویکرد فرکلاف در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی است. سه رمان برگزیده عبارت‌اند از: *چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، انگار گفته بودی لیلی*، و *پرنده من*. نتایج نشان می‌دهد که در این رمان‌ها شاهد دو نوع تصویر از شخصیت‌های اصلی زن هستیم. در ابتدا با تصویر زنی روبه‌رو هستیم که کاملاً سستی است؛ یعنی موجودی ساکت، فداکار، وابسته و مطیع همسر است؛ اما در میانه داستان در تقابل با یک سری کشمکش‌ها و تضادها، شروع به دگرگون شدن می‌کند و درنهایت، به زنی پرسشگر تبدیل می‌شود که خواستار مطالباتی جدید است.

زاهدی و ایمانی (۱۳۹۰) در مقاله «زن در ضرب‌المثل‌های انگلیسی: رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی» به بررسی زن در ضرب‌المثل‌های انگلیسی پرداخته‌اند. داده‌ها شامل ۴۲ ضرب‌المثل می‌شود که از *فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد* گردآوری شده است. چارچوب نظری تحلیل، رویکرد فرکلاف و در مواردی رویکرد کارکردگرایانه هلیدی^۴ - متیسن^۵ (۲۰۰۴) است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ساختار ضرب‌المثل‌ها به سه دسته یکسان، مشابه-متفاوت و متفاوت تقسیم می‌شوند. مناسبات قدرت بر گفتمان ضرب‌المثل‌های زنان مؤثر است و توزیع قدرت نه تنها بین زن و مرد، بلکه بین زنان نیز به صورت نابرابر توزیع شده است. نظام اجتماعی حاکم بر گفتمان این فرهنگ، کلان‌ساختار مردسالاری است که در زبان انعکاس یافته است.

محمدپور و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «مطالعه تفسیری بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های کردی (گویش سریانی - مکرانی)» با رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی به بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های کردی پرداخته‌اند. روش این مطالعه کیفی است و با

استفاده از مطالعه اسنادی و مصاحبه داده‌ها گردآوری شده و برای تحلیل و تفسیر داده‌ها از روش تحلیل موضوعی استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در این ضرب‌المثل‌ها نگاه به زن متنوع، نامتعیین و گاه متناقض است. با تحلیل موضوعی هفت مقوله استخراج شده است که عبارت‌اند از: ۱. زن به مثابه سوژه‌ای غیرعقلانی، ۲. برابر مرد، ۳. فرودست، ۴. دیگری، ۵. امری قدسی، ۶. توانمند، ۷. شخصی معماگونه.

عزیزی‌فر (۱۳۹۲) در مقاله «زیبایی‌شناسی ضرب‌المثل‌های کردی ایلامی از دیدگاه علم بیان» ضرب‌المثل‌های کردی ایلامی را از منظر بلاغی بررسی کرده است. وی با روش توصیفی - نظری ضرب‌المثل‌ها را از نظر میزان کاربرد آرایه‌های ادبی و عناصر خیال‌آرزیابی کرده و به این نتیجه رسیده است که زیرساخت بیشتر ضرب‌المثل‌ها بر پایه تشبیه و استعاره است و از تمامی ظرفیت‌های علم بیان در آن‌ها استفاده شده است که این مسئله نشان از قدرت خیال‌پردازی گویندگان آن دارد و در مواردی برای درک برخی صناعات ادبی آشنایی، با بافت فرهنگی آن منطقه ضروری است.

نخاولی و شریفی (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «On sex discrimination in Persian proverbs» با مطالعه ضرب‌المثل‌های فارسی، تبعیض جنسی علیه زن را نشان دادند. آن‌ها معتقدند که تبعیض و تحقیر زنان در جامعه، به خوبی در ضرب‌المثل‌ها قابل مشاهده است. زبان فارسی زبانی جنسیت‌گرا نیست؛ اما با مطالعه بیش از ۱۲۰۰۰ ضرب‌المثل، نشانه‌هایی از سرکوب حقوق زنان در جامعه مشاهده شده است. در ۱۷۹ ضرب‌المثل تبعیض علیه هر دو جنس دیده شده است که ۱۶ درصد تبعیض علیه مرد و ۸۴ درصد تبعیض علیه زن است. داده‌های این مطالعه از فرهنگ ۱۴۰۰۰ ضرب‌المثل‌های ایرانی (شکورزاده، ۱۳۷۱) جمع‌آوری شده است که به روش تحلیل معنایی ارزیابی شده‌اند.

رضایی و ظاهری عبده‌وند (۱۳۹۴) در مقاله «جایگاه زن و خانواده در ضرب‌المثل‌های بختیاری» با رویکرد نقد فمینیستی به بررسی ضرب‌المثل‌های بختیاری پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در این ضرب‌المثل‌ها زن جایگاهی پایین‌تر، بالاتر و گاهی برابر با مرد دارد. اگر موضوع مربوط به محیط خانه و امور خصوصی باشد، زن جایگاهی فراتر از مرد دارد. درباره مسائل اجتماعی زن فرودست شمرده می‌شود؛ اما در

تحلیل گفتمان جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های ترکی _____ زهره عزتی و همکاران

مسائل عام زندگی زن با مرد برابر است. مسائل خانوادگی از قبیل ازدواج، شناخت همسر، وظایف زوجین و تک‌همسری از جمله موضوعاتی هستند که در ضرب‌المثل‌های بختیاری منعکس شده است.

ممدایک^۷ (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان «The Igbo perception of womanhood: evidence from sexist proverbs»^۸ به بررسی ضرب‌المثل‌های زبان ایگبو^۹ پرداخت. وی در ابتدا ۱۵ ضرب‌المثل جنسیتی را از بافت گفتمانی انتخاب و سپس از دو دیدگاه متنی و مفهومی آن‌ها را بررسی کرده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد تصویری که ضرب‌المثل‌های ایگبو از زن به نمایش می‌گذارد، تصویری تحقیرآمیز و در جهت سلطه مردان است.

مِشه‌شا^{۱۰} (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان «The prejudiced negative images of Femininity in Wolaita proverbs»^{۱۱} بر روی ضرب‌المثل‌های زبان وولاتا^{۱۲} انجام داده است. وی از طریق مصاحبه با ۱۲ بزرگسال ۲۰ ضرب‌المثل جمع‌آوری کرده است. نتایج این تحقیق کیفی آشکار کرد که ضرب‌المثل‌های این زبان تصویری منفی و تحقیرآمیز از زن بودن ارائه می‌دهند، مانند زن نماد عدم توانایی، فاقد قدرت لازم برای حفاظت خویش، منشأ خطر و مشکلات.

براساس بررسی‌های انجام‌شده، نویسندگان این مقاله به این نتیجه رسیده‌اند که تاکنون هیچ مطالعه و تحقیق جامعی از نوع تحلیل گفتمان انتقادی بر روی ضرب‌المثل‌های ترکی با رویکرد فرکلاف با هدف بازنمایی زن صورت نگرفته است. از آنجایی که جنسیت یکی از مقوله‌های شکل‌دهنده هویت است، پژوهش در این حوزه و این فرهنگ ضروری است.

۴. چارچوب نظری و روش تحقیق

پژوهش حاضر در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی و بر مبنای چارچوب نظری فرکلاف است. رویکرد فرکلاف یک الگوی سه‌بعدی است که بر اساس آن گفتمان نوعی کردار اجتماعی^{۱۳} شمرده می‌شود. در این الگو برای تحلیل یک رویداد ارتباطی از سه نوع

تحلیل به طور هم‌زمان بهره گرفته می‌شود: تحلیل متن، تحلیل کردار گفتمانی^{۱۴} و تحلیل کردار اجتماعی.

فرکلاف معتقد است که زبان یک کردار اجتماعی است. این تفکر دربردارنده چند مفهوم است: اول اینکه زبان بخشی از جامعه است و خارج از آن نیست. دوم اینکه زبان فرایندی اجتماعی است. و سوم اینکه زبان فرایند مشروط اجتماعی است، یعنی مشروط به دیگر بخش‌های غیرزبانی جامعه است (فرکلاف، ۱۹۸۹: ۲۲). فرکلاف برای گفتمان سه عنصر در نظر می‌گیرد که عبارت‌اند از متن، تعامل و بافت اجتماعی. فرایند تعامل اجتماعی علاوه بر متن، شامل فرایند تولید و فرایند تفسیر آن است و متن، مرجع آن تفسیر به‌شمار می‌آید (همان، ۲۴). بنا بر آنچه گفته شد فرکلاف سه مرحله را برای تحلیل گفتمان انتقادی پیشنهاد می‌دهد که عبارت‌اند از:

- توصیف: مرحله‌ای که با ویژگی‌های صوری متن ارتباط دارد.
- تفسیر: مرحله‌ای که به ارتباط میان متن و تعامل می‌پردازد.
- تبیین: مرحله‌ای که به بیان ارتباط میان تعامل و بافت اجتماعی می‌پردازد (همان، ۲۷).

مرحله توصیف در لایه متنی صورت می‌گیرد. در سطح متن، اصطلاحات و جملات از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار^{۱۵} به‌شمار می‌روند. مؤلفه‌های گفتمان‌مدار مشخصه‌های زبان‌شناختی یا جامعه‌شناختی‌ای هستند که ایدئولوژی خاصی را منعکس می‌کنند، به‌گونه‌ای که به‌کارگیری یا عدم به‌کارگیری آن‌ها و یا تغییر و تبدیل آن‌ها به صورت دیگر در متن باعث شود که از گفته برداشت‌های متفاوتی شود، مطلبی پوشیده و مبهم شود و یا صراحت بیشتری پیدا کند و یا بخشی از گفته را برجسته کند و بخشی دیگر را در حاشیه قرار دهد (یارمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۶۶). تفسیر نیز ترکیبی از محتویات متن و دانش زمینه‌ای مفسر است. در سطح تبیین نیز تأثیر ساختارهای اجتماعی بر شکل‌گیری گفتمان و بالعکس بیان می‌شود. برای روشن‌شدن مطلب یک نمونه از ضرب‌المثل‌ها را براساس همین الگو تحلیل می‌کنیم.

آنا ائوین دیرگیدیر

?ana ?evin dirgidir

برگردان: مادر زندگانی (حیات) خانه است.

جمله ساده، معلوم و از نوع وصفی است. وجه جمله خبری است. واژه‌های مادر و زندگانی از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در سطح واژگان به‌شمار می‌روند. موضوع اصلی لزوم حضور زن در محیط خانه است. شرکت‌کننده این موقعیت مادر است. گوینده این ضرب‌المثل هم می‌تواند مرد باشد و هم زن. در این ضرب‌المثل مادر به زندگانی خانه تشبیه شده است.

روش تحقیق: جامعه آماری این تحقیق، ضرب‌المثل‌های ترکی با موضوعیت زن در زبان ترکی (ترکی آذربایجان و ترکی قشقایی) است که در مجموع شامل ۱۶۶ ضرب‌المثل است که به شیوه هدفمند از کتاب‌های *ترکی حکمت لی مثل کر* (سرودلیر، ۱۳۹۳) و *برگزیده اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های ترکی قشقایی* (استوار، ۱۳۹۲) جمع‌آوری شد. با وجود اینکه دو نفر از نگارندگان گویشور زبان ترکی هستند، برای اطمینان از معنا و مفهوم هر کدام از ضرب‌المثل‌ها به چند گویشور ترک‌زبان دیگر نیز مراجعه شد که جواب‌های تقریباً مشابهی ارائه کردند. در مواردی که تفاوت آراء وجود داشت اکثریت آراء ملاک درستی معنا قرار گرفت؛ بدین صورت که در ابتدا تمام ضرب‌المثل‌هایی که به نوعی به زن مربوط می‌شدند، جمع‌آوری شد. بعد از جمع‌آوری ضرب‌المثل‌ها، چگونگی بازنمایی زن در هر ضرب‌المثل در یک طیف چهارگزینه‌ای (مثبت، منفی، مثبت/منفی، خنثی) مشخص و سپس فراوانی هر یک از این چهار حالت در یک جدول ارائه شد. بعد از این مرحله، برای درک این امر که چه عواملی در این نوع بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های ترکی دخیل هستند، از رویکرد فرکلاف استفاده شد و ضرب‌المثل‌ها در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین تحلیل شدند. در سطح توصیف به ویژگی‌های صوری ضرب‌المثل‌ها بسنده شد و در سطح دوم به تحلیل فرایندهای کنشگران گفتمان و تعامل بین آن‌ها پرداختیم. در سطح سوم تأثیر ساختارهای اجتماعی (مناسبات قدرت) بر شکل‌گیری گفتمان و بالعکس را بیان کردیم. در هر کدام از نظم‌های گفتمانی، برای روشن‌تر شدن مطلب یک ضرب‌المثل فارسی از کتاب *فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی* (ذوالفقاری، ۱۳۹۲) با همان مضمون برای نمونه آورده شده است.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در الگوی فرکلاف ابتدا نظم‌های گفتمان^{۱۶} از طریق بررسی اولیه ضرب‌المثل‌ها شناسایی و سپس این نظم‌های گفتمانی در سه مرحله تجزیه و تحلیل شدند. نظم گفتمانی بر گفتمان‌های مختلفی دلالت می‌کند که تقریباً یک قلمرو واحد را پوشش می‌دهند. در این قلمرو گفتمان‌ها برای تثبیت معنای مورد نظر خود با یکدیگر رقابت می‌کنند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۳: ۲۳۰). زن در ضرب‌المثل‌های ترکی و با توجه به نقش‌های اجتماعی مختلفی که دارد به چهار صورت مثبت، منفی، خنثی و مثبت/منفی بازنمایی می‌شود که در ادامه فراوانی هر کدام از این چهار حالت محاسبه و در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: فراوانی شیوه بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های ترکی

شیوه بازنمایی	فراوانی شیوه بازنمایی	درصد شیوه بازنمایی
مثبت	۴۹	٪۲۹/۵۱
منفی	۴۶	٪۲۷/۷۱
خنثی	۶۸	٪۴۰/۹۶
مثبت/منفی	۳	٪۱/۸۰

۵-۱. بازنمایی منفی

از ۱۶۶ ضرب‌المثل ترکی، در ۴۶ مورد تصویری منفی از زن ارائه شده است. این‌گونه ضرب‌المثل‌ها بر اساس محتوا (نظم گفتمانی) به صورت زیر تقسیم‌بندی شده‌اند. الف) زن و ناتوانی وی از انجام امور: ۵ مورد از ضرب‌المثل‌ها درباره تنبلی و ناتوانی زنان در انجام وظایف خانه‌داری است.

نمونه از ضرب‌المثل فارسی: ز کار زن آید همه کاستی.
نکته اینجاست که در ضرب‌المثل‌های ترکی این ویژگی بیشتر درباره زن در نقش عروس خانواده صدق می‌کند. ضرب‌المثل‌های زیر نمونه‌هایی از این نوع بازنمایی هستند.

۱. تازه گلین دوردی آیاقه، باش لی باشینی ساخلاسین.

tæzæ gælin durdi ʔæjayæ bafli bafini saxlasin

برگردان: تازه‌عروس بلند شد، اطرافیان مواظب سرشان باشند.

۲. گلین چورگ یاپا بیلیمیر دیر اخلوو اوز اوخلووم دگیل

gælən çæræg japa bilmer der ʔoxlou ʔæz ʔoxloum dægəl

برگردان: عروس بلد نیست نان بپزد می‌گوید تیر نان‌پزی خودم باید باشد.

جملات مرکب، معلوم و از نوع کنشی هستند. وجه جملات خبری است. تنها واژه گفتمان‌مدار در اینجا واژه عروس است. موضوع مطرح‌شده در این نظم گفتمانی ناتوانی و عدم کارایی زنان در انجام وظایفشان است، مشارکین این موقعیت‌ها نیز در بیشتر موارد تازه‌عروس‌ها هستند. از آنجایی که تازه‌عروس‌ها در ابتدای زندگی مشترک تجربه و مهارت چندانی در امور خانه‌داری ندارند. بنابراین، هرگونه اشتباه یا سهل‌انگاری توسط آنان اجتناب‌ناپذیر است. معمولاً گوینده این‌گونه ضرب‌المثل‌ها زنان مسن خانواده هستند. ضرب‌المثل ۱ در مقام هشدار و زمانی به‌کار برده می‌شود که نوعروس خانواده در شُرُف انجام کاری است و چون احتمال خرابکاری نیز وجود دارد لذا از اطرافیان خواسته می‌شود تا مراقب خود باشند. ضرب‌المثل ۲ نیز زمانی به‌کار برده می‌شود که عروس برای تنبلی و ناتوانی خود بهانه می‌آورد.

ب) زن و حراف بودن: از دیگر ویژگی‌های منفی منتسب به زنان، پراگویی است که ۴ مورد از این نوع بازنمایی در ضرب‌المثل‌های منتخب یافت شده است. نمونه از ضرب‌المثل فارسی: «پیچ دهان زن هرز است».

۳. باجی باجین اولسون، سوز چوخ چاغ یوخ

badži badžın ʔolsun syz çox çay jox

برگردان: خواهر، خواهرت بمیرد؛ حرف زیاد است ولی وقت و حوصله نیست.

۴. یامان آرواد چوخ دانیشار، دانیشماسا ساواشار

jaman ʔarvad çox danıfar danıfmasa savafar

برگردان: زن بد زیاد حرف می‌زند، اگر حرف نزنند دعوا می‌کند.

جملات مرکب، معلوم و از نوع کنشی هستند. وجه جملات التزامی و خبری است. واژه‌های خواهر و زن بد از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار هستند. موضوع، پُرحرفی زنان است و مشارکین موقعیت‌های توصیف‌شده، زنان هستند. ضرب‌المثل ۳ به حالت طعنه‌آمیز پُرحرفی زنان را با کمبود وقت آن‌ها درهم آمیخته است. در ضرب‌المثل ۴، حراف و دعوایی بودن از جمله ویژگی‌های زن بد معرفی شده است.

(ج) زن و زیبایی: ۴ مورد از ضرب‌المثل‌ها به مسئله زیبایی زنان و مشکلاتی که در پی دارد، اشاره دارد.

نمونه از ضرب‌المثل فارسی: «قرضم صد و سی باشد، زنم مجلسی باشد».

۵. چادرا آلتیندا هر آرواد گؤزلدیر

çadra ?altında hær ?arvard gyzældir

برگردان: در زیر چادر، هر زنی زیباست.

۶. گؤزل آرواد شیلتاقل اولار

gyzæl ?arvad şiltag ?olar

برگردان: زن زیبا لوس و مغرور می‌شود.

جملات ساده، معلوم و از نوع وصفی هستند. وجه جملات خبری است. واژه‌های چادر، زن زیبا، لوس و مغرور از جمله مؤلفه‌های گفتمان‌مدار هستند. موضوع مطرح شده زیبایی زن است و مشارکین نیز زنان هستند. گوینده این ضرب‌المثل‌ها در بیشتر موارد مردان هستند. ضرب‌المثل ۵ بیانگر این مطلب است که همه زنان به نوعی ایراد دارند و چادر پوشاننده این عیوب است و یا ضرب‌المثل ۶ زن زیبا را لوس معرفی می‌کند و این مسئله را به‌عنوان یک اصل به همه زنان زیبا تعمیم می‌دهد.

(د) ناسازگاری مادرشوهر و عروس: ۴ مورد از ضرب‌المثل‌های ترکی به

ناسازگاری و دعوای موجود بین عروس و مادرشوهر اشاره می‌کنند.

نمونه از ضرب‌المثل فارسی: «مادرشوهر به بام آمد، عروس به فغان آمد».

۷. گلینین دیلی یوخ، قاینانین ایمانی

gælinin dili jox gajnananin ?imani

برگردان: عروس زبان ندارد، مادرشوهر ایمان.

۸. گلین منیم سوپورگمدیر، هاردا قویسام اوتورار.

gælin mænım supurgæm dir harda gøsam ?oturur

برگردان: عروس جاروی من است، هر جا بگذارم می‌نشیند.

جملات معلوم، مرکب و بیشتر از نوع وصفی هستند. واژه‌های عروس، مادرشوهر، زبان، ایمان و جارو از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در سطح واژگان به‌شمار می‌روند. موضوع اصلی ناسازگاری موجود بین مادرشوهر و عروس است که در بیشتر موارد این مادرشوهر است که چهره منفی از خود نشان می‌دهد. هر دو ضرب‌المثل به نوعی سلطه

تحلیل گفتمان جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های ترکی _____ زهره عزتی و همکاران

مادرشوهر بر عروس را به تصویر کشیده‌اند. در ضرب‌المثل ۷ مظلومیت عروس با بی‌زبانی وی و ظالم‌بودن مادرشوهر با بی‌ایمانی وی به نمایش گذاشته شده است. در این فرهنگ معمولاً هرچقدر اوضاع سخت باشد، عروس خانواده حق هیچ‌گونه اعتراضی را به خود نمی‌دهد؛ زیرا وی این وضعیت را در خانواده شوهر به‌عنوان یک امر طبیعی و بدیهی پذیرفته است. ضرب‌المثل ۸ جلوه دیگری از این سلطه را نشان می‌دهد، گوینده این ضرب‌المثل مادرشوهر است، و جارو استعاره از عروس است که تحت فرمان مادرشوهر حرکت می‌کند.

۵. **نکوهش زن بد:** ۳ مورد از ضرب‌المثل‌ها نیز به مضرات داشتن زن بد اشاره می‌کنند.

نمونه از ضرب‌المثل فارسی: «زن بد بدتر از مار بد».

۹. یامان آروادین ائوی جهنمدیر

jaman ʔarvadin ʔevi dʒæhænnæm dir

برگردان: خانه زن بد مانند جهنم است.

۱۰. آروادی بد اولانین ساققالی تئز آغارار

ʔarvadi bæd ʔolanin saggali tez ʔaʔarar

برگردان: ریش مردی که زن بد دارد زود سفید می‌شود.

جملات معلوم، ترکیبی از ساده و مرکب هستند. نوع جملات وصفی و وجه آن‌ها خبری است. واژه‌های زن بد، جهنم، و ریش سفید مؤلفه‌های گفتمان‌مدار هستند. موضوع مطرح‌شده بیان مضرات داشتن زن بد است. گوینده این ضرب‌المثل‌ها مردان هستند. در ضرب‌المثل ۹ خانه زن بد به جهنم تشبیه شده است و افراد آن خانواده دائم در رنج و عذاب هستند. در ضرب‌المثل ۱۰ این مرد خانواده است که به دلیل تحمل بدرفتاری‌های زن، ریشش زودتر از موعد سفید می‌شود.

(و) **زن و بیرون‌گردی:** ۳ مورد از ضرب‌المثل‌ها درباره بیرون‌گردی زنان است.

نمونه از ضرب‌المثل فارسی: «زنی که خانه‌گرد بشود، یک روز خانه خودش است».

۱۱. دول آرواد ائوده اوتورماز

dul ʔarvad ʔevdæ ʔoturamaz

برگردان: بیوه زن در خانه نمی‌نشیند.

۱۲. گزه ین قیزدان گلین اولماز

gæzæjæn gizdan gælin ʔolmaz

برگردان: یک دختر دذری عروس نمی‌شود.

جملات معلوم، ساده و از نوع وصفی هستند. وجه جملات خبری است. واژه‌های بیوه‌زن، دختر دذری و عروس مؤلفه‌های گفتمان‌مدار هستند. موضوع مطرح‌شده خوش‌گذرانی و بیرون‌گردی زنان است و مشارکین این موقعیت‌ها بیوه‌زن و دختر هستند. گوینده این نوع ضرب‌المثل‌ها زنان هستند. از آنجایی که یک بیوه‌زن مسئولیت چندانی (از قبیل خانه‌داری، شوهرداری و بچه‌داری) بر دوش ندارد؛ بنابراین بیشتر وقت خود را در بیرون از منزل می‌گذرانند. ضرب‌المثل ۱۲ نیز در مقام هشدار و خطاب به دخترانی به‌کار برده می‌شود که مدام در حال گشت‌وگذار هستند؛ زیرا این نوع دختران گزینه مناسبی برای ازدواج شمرده نمی‌شوند.

(ز) زن و ازدواج: ۳ مورد از ضرب‌المثل‌ها به مقوله ازدواج اختصاص دارند.

نمونه از ضرب‌المثل فارسی: «زنان را نیست چیزی بهتر از شوی».

۱۳. تلسن قیز، آره گئت مز؛ آره گئت سه ده خیرین گورمز

tælæsæn giz ?æræ getmæz ?æræ get sædæ xejrin gyrmæz

برگردان: دختری که عجله می‌کند، به شوهر نمی‌رسد؛ اگر هم برسد، خیرش را نمی‌بیند.

۱۴. دوشی آلتی ترکمیش

dœfə ?altə tærlæmæf

برگردان: زیر سینه‌اش عرق کرده است.

جملات معلوم ترکیبی از ساده و مرکب هستند. نوع جملات وصفی و وجه آن خبری است. واژه‌های دختر، عجله، شوهر و عرق‌کرده از جمله مؤلفه‌های گفتمان‌مدار به‌شمار می‌روند. موضوع، ازدواج و اهمیت آن برای دختران است. گوینده این ضرب‌المثل‌ها زنان هستند. ضرب‌المثل ۱۳ عنوان هشدار برای دخترانی است که در امر ازدواج عجله می‌کنند و در نهایت پشیمانی می‌شوند. مخاطب ضرب‌المثل ۱۴ دختری است که از سن ازدواجش گذشته باشد.

(ح) زن و مکر: ۲ مورد از ضرب‌المثل‌ها به حيله‌گر بودن زنان اشاره دارد.

نمونه از ضرب‌المثل فارسی: «در همه معنی سرشت زنان جهان از حیل است».

۱۵. آرواد شیطانا بؤرک تیکر

?arvad fejtana byrk tikær

برگردان: زن برای شیطان کلاه می‌دوزد.

۱۶. آروادین آخیر حیلہ سی آغلاماقدیر

Parvadin Paxir hilæsi Paylamagdir

برگردان: آخرین حیلۀ زن گریه است.

جملات معلوم، ساده و از نوع وصفی هستند. وجه جملات نیز خبری است. واژه-های زن، شیطان، گریه و حیلہ مؤلفه‌های گفتمان‌مدار هستند. موضوع مطرح‌شده حیلہ-گری زنان است و مشارکین این موقعیت‌ها زن و شیطان هستند. گویندۀ این ضرب-المثل‌ها مردان هستند. ضرب‌المثل ۱۵ اوج حیلہ‌گری زن را نشان می‌دهد؛ زیرا در این تصویر زن در حال دوختن کلاه (استعارۀ دیگری از فریب دادن) برای شیطان است که خود نماد مکر و حیلہ است. در ضرب‌المثل ۱۶ نیز گریه به‌عنوان نیرنگی از سوی زنان معرفی شده است که از آن به‌عنوان آخرین حربه استفاده می‌کنند.

ط) زن و عدم تدبیر: ۲ مورد از ضرب‌المثل‌ها نیز به نداشتن دانش در نزد زنان

اشاره می‌کنند.

نمونه از ضرب‌المثل فارسی: «چو کردی مشورت با زن/ خلاف زن کن ای نادان».

۱۷. قیزی اؤز خوشونا قویسان یا موتروبه گئدر، یا زورناچیا

gizi Qyz xofuna gojsan ja mutrubæ gedær ja zornaçija

برگردان: دختر را اگر به حال خود گذارند یا زن مطرب می‌شود یا زن سورناچی.

۱۸. من گتیرم ییغین - ییغین، آرواد پایلار توربا - توربا.

mæn gætirræm jiyin jiyin Parvad pajlar torba torba

برگردان: من ذره ذره به خانه می‌آورم، زن کیسه کیسه می‌بخشد.

جملات معلوم، مرکب و از نوع وصفی هستند. وجه جملات خبری است. واژه‌های دختر، مطرب، ذره و کیسه از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در سطح واژگان به‌شمار می‌روند. موضوع، بی‌اعتبار دانستن ظرفیت‌های فردی زنان است که در این مورد به‌خصوص، دانش و عقلانیت مدنظر است. گویندۀ این ضرب‌المثل‌ها مردان هستند و مشارکین این موقعیت‌ها زن، مطرب و مرد هستند. ضرب‌المثل ۱۷ بیانگر این مطلب است که زنان هیچ ذهن روشنی ندارند، بنابراین اگر به حال خود گذاشته شوند چه‌بسا دچار لغزش و اشتباه شوند. و یا در ضرب‌المثل ۱۸ عدم مدیریت زنان در امور اقتصادی خانواده به تصویر کشیده شده است.

ی) زن و قدرت ویرانگر او: ۲ مورد از ضرب‌المثل‌ها به ویرانگر بودن قدرت زن اشاره دارند.

نمونه از ضرب‌المثل فارسی: «یک زن شیطان در خیابان، شیطان‌تر از ده شیطان در جنگل».

۱۹. آرواد ییخان ائودن آلاهاین خبری یوخدور

ʔarvad jixan ʔevdæn ʔallahin xəbəri joxdur

برگردان: از خانه‌ای که زن ویران کرده است، خدا هم خبر ندارد.

۲۰. آرواد ییخان ائوی فلک ده ییخا بیلمز

ʔarvad jixan ʔevi fælæk də jixa bilmæz

برگردان: خانه‌ای را که زن ویران کرده است، فلک هم نمی‌تواند ویران کند.

جملات معلوم، مرکب و از نوع کنشی هستند. وجه جملات خبری است. واژه‌های زن، ویران، خدا و فلک از جمله مؤلفه‌های گفتمان‌مدار به‌شمار می‌روند. گوینده این ضرب‌المثل‌ها در بیشتر موارد مردان هستند و مشارکین این موقعیت‌ها نیز زنان هستند. ویرانگر بودن قدرت نزد زنان، موضوع اصلی در این نظم گفتمانی است. این مورد نیز نمونه‌ای دیگر از کوچک شمردن ظرفیت‌های زن است. از آنجایی که زن فاقد دانش و فهم لازم است، بنابراین اگر قدرتی هم در اختیار داشته باشد، این قدرت می‌تواند تأثیر مخربی در پی داشته باشد.

ک) زن‌ستیزی: ۱۴ مورد نیز وجود دارد که در آن‌ها نیز تصویری منفی از زن ارائه شده است. این ضرب‌المثل‌ها موضوعات مختلفی را دربر می‌گیرند، از جمله عدم رازداری زنان، بی‌بندوباری، برتری فرزند پسر بر دختر و ... در میان ضرب‌المثل‌های جمع‌آوری شده تنها یک ضرب‌المثل برای هر کدام از این موضوعات ذکر شده، اختصاص یافته است و نگارنده همگی آن‌ها را با عنوان زن‌ستیزی جمع‌آوری کرده است. در ادامه به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود.

نمونه از ضرب‌المثل فارسی: «مزن زن را چو خواهی زد نکو زن».

۲۱. آرواد مالی آلچاق قاپیدیر، بیر گیرنده آلینا دیر، بیر چیخاندا

ʔarvad mali ʔalçay gapidir bir girændæ ʔalnina dəjær bir çixanda

برگردان: ثروت زن مانند در کوتاهی است، یک بار موقع آمدن به پیشانی می‌خورد و یک-بار موقع خارج شدن.

۲۲. سوزووی باجووا دئمه، باجوون دا باجی سی وار.

syzuvi badžuva demæ badžuvun da badžisi var

برگردان: راز زندگی‌ات را به خواهرت مگو، چون خواهرت هم خواهری دارد.
جملات مرکب، معلوم و از نوع کنشی هستند. واژه‌های ثروت زن، در کوتاه، راز و خواهر مؤلفه‌های گفتمان‌مدار هستند. موضوع در ضرب‌المثل ۲۱، مضرات ثروتمند بودن زن است. گوینده این ضرب‌المثل و مشارکین مردان هستند. در موقعیت توصیف شده، ثروت زن به در کوتاهی تشبیه شده است و مرد با هر بار ورود و خروج از این در پیشانی‌اش به آن اصابت می‌کند. در بیشتر جوامع بر وابستگی مالی زنان به مردان و وابستگی جنسی مردان به زنان تأکید شده است و مردان نان‌آور خانه شمرده می‌شوند. بنابراین، هرگونه خودکفایی مالی زن به نوعی توازن را در این کلیشه جنسی برهم می‌ریزد. در ضرب‌المثل ۲۳ عدم رازداری زنان موضوع اصلی است. گوینده این ضرب‌المثل مردان و مشارکین زنان هستند.

۲-۵. بازنمایی مثبت

از کل ۱۶۶ ضرب‌المثل ترکی در ۴۹ مورد تصویری مثبت از زن ارائه شده است که پس از بررسی‌ها از نظر محتوا به صورت زیر تقسیم‌بندی شدند.

الف) زن و ارزشمند بودن: ۱۸ مورد از ضرب‌المثل‌ها به ارزش والای زن در نقش‌های مختلف خانواده از قبیل مادر، دختر و همسر می‌پردازند که در ادامه به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود.

نمونه از ضرب‌المثل فارسی: «حق مادر نگاه داشتن بهتر از حج کردن است».

۲۳. آنا حاقی - تانری حاقی

ʔana haggi tanri haggi

برگردان: حق مادر - حق خدا.

۲۴. قیز قیزیلدیر، قدرینی بیلسین گرک

giz gizildir yædrini bilsijæn gæræk

برگردان: دختر طلاست، باید قدرش را دانست.

جملات معلوم و ترکیبی از ساده و مرکب هستند. نوع جملات وصفی و وجه آن خبری است. واژه‌های مادر، خدا، دختر و طلا مؤلفه‌های گفتمان‌مدار هستند. همان‌طور

که پیش‌تر اشاره شد موضوع اصلی آن‌ها ارزشمند بودن جنس زن است و مشارکین نیز زنان (مادر و دختر) هستند. ضرب‌المثل ۲۳ به مقام والای مادر اشاره دارد تا آنجایی که حق مادر بر گردن فرزند همانند حق‌الله است و یا ضرب‌المثل ۲۴ در بیان ارزشمند بودن دختر، وی را به طلا تشبیه کرده است.

ب) زن و حضور وی در خانه: ۷ مورد از ضرب‌المثل‌ها درباره لزوم حضور زن در محیط خانه است.

نمونه از ضرب‌المثل فارسی: «خانه بی‌زن به گورستان ماند».

۲۵. آنا ائوین دیرگیدیر

ʔana ʔevin dirgidir

برگردان: مادر زندگانی (حیات) خانه است.

۲۶. آروادسیز ائو، سوسوز دیرمان

ʔarvadsiz ʔev susuz dæjirman

برگردان: خانه بی‌زن مثل آسیاب بی‌آب است.

جملات ساده، معلوم و از نوع وصفی هستند. وجه جملات خبری است. واژه‌های زندگانی، مادر و آسیاب بی‌آب از جمله مؤلفه‌های گفتمان‌مدار به‌شمار می‌روند. موضوع اصلی لزوم حضور زن در محیط خانه است. گوینده این نوع ضرب‌المثل‌ها می‌تواند هم زن باشد و هم مرد. مشارکین موقعیت‌ها نیز زنان هستند. در ضرب‌المثل ۲۵ مادر به - عنوان جان‌مایه خانه معرفی شده است. در ضرب‌المثل ۲۶ خانه‌ای که زن در آن نباشد به آسیاب بی‌آب تشبیه شده است که فاقد رونق و آبادی است.

ج. تقابل مرد و زن و برتری زن: ۷ مورد نیز تقابل مرد و زن را شاهد هستیم که در این تقابل برتری از آن زن است.

نمونه از ضرب‌المثل فارسی: «کلید عقل مرد به دست زن اوست».

۲۷. کیشی فهله دیر، آرواد - بنا

kifī fæhlæ dir ʔarvad bæнна

برگردان: مرد کارگر و زن بنّاست.

۲۸. سو داشی قوما دؤندرر؛ آرواد کیشینی - موما

su dafi guma dyndærær ʔarvad kifini muma

برگردان: آب سنگ را به شن تبدیل می‌کند، زن مرد را به موم.

جملات معلوم، و ترکیبی از ساده و مرکب هستند. نوع جملات وصفی و وجه آن خبری است. واژه‌های مرد، زن، کارگر، بنا، آب، سنگ، شن و موم مؤلفه‌های گفتمان-مدار محسوب می‌شوند. گوینده این ضرب‌المثل‌ها زنان هستند. موضوع مطرح شده قدرتی است که زن در خانواده و بر شوهر خود دارد. برای مثال در ضرب‌المثل ۲۷ مرد به کارگر و زن به بنا تشبیه شده‌اند. این تشبیه از آن جهت است که مرد در بیرون از خانه کار می‌کند و دسترنج خود را در اختیار زن قرار می‌دهد و این زن است که با درایت خود امور خانه را سامان می‌بخشد. در ضرب‌المثل ۲۸، زن به آب و مرد به سنگ تشبیه شده‌اند، همان‌طور که آب به مرور زمان می‌تواند در سنگ رخنه و آن را به شن بدل کند، زن نیز می‌تواند با درایت خود رفته‌رفته مرد را مطیع سازد.

د) ستایش زن خوب: ۵ مورد از ضرب‌المثل‌ها به توصیف زن خوب و تأثیر آن بر خانه و خانواده پرداخته‌اند.

نمونه از ضرب‌المثل فارسی: «زن خوب مرد را به دولت می‌رساند و زن بد مرد را خانه‌خراب می‌کند».

۲۹. کیشینی جاوان ساخلار، یاخشی آرواد، یاخشی آت

kifini dğavan saxlar jaxfi ʔarvad jaxfi ʔat

برگردان: زنِ خوب و اسبِ خوب مرد را جوان نگه می‌دارد.

۳۰. یاخشی آروادلی ائو جنتتدیر

jaxfi ʔarvadli ʔev dğænnæt dir

برگردان: خانه زنِ خوب بهشت است.

جملات معلوم، و ترکیبی از ساده و مرکب هستند. نوع جملات وصفی و وجه آن نیز خبری است. واژه‌های اسبِ خوب، زنِ خوب، جوان، مرد و بهشت مؤلفه‌های گفتمان‌مدار هستند. گوینده این ضرب‌المثل‌ها مردان و مشارکین این موقعیت‌ها زنِ خوب، مرد و اسب هستند. موضوع اصلی فواید داشتن زنِ خوب است. در ضرب‌المثل ۲۹ دو چیز عاملِ جوانیِ مرد معرفی شده است: اسبِ خوب و زنِ خوب. ضرب‌المثل ۳۰ نیز خانه زنِ خوب را به بهشت تشبیه کرده است.

ه) مادر و اهمیت نقشِ وی: ۵ مورد از ضرب‌المثل‌ها به نقش مادر و اهمیت آن در زندگی فرزند اشاره دارند.

نمونه از ضرب‌المثل فارسی: «بچه از پدر یتیم است، از مادر اسیر».

۳۱. آناسیندان آیریلان قوزونو قورد یئر

ʔanasindan ʔajrilan guzunu gurd jiʔær

برگردان: بره‌ای را که از مادر جدا شود گرگ می‌خورد.

۳۲. مین خالا ییغیلسا، بیر آنانین یئرینی وئرمز

min xala jiyılsa bir ʔananin jerini vermæz

برگردان: هزار خاله جای یک مادر را نمی‌تواند بگیرد.

جملات معلوم، ترکیبی از ساده و مرکب هستند. نوع جملات کنشی و وصفی است، وجه جملات نیز خبری است. واژه‌های مادر، گرگ، بره و خاله مؤلفه‌های گفتمان‌مدار هستند. مرد و زن هر دو می‌توانند گوینده این ضرب‌المثل‌ها باشند. مشارکین موقعیت-های توصیف‌شده مادر، گرگ، بره و خاله هستند. موضوع اصلی، اهمیت مادر و نقش حمایتی وی در زندگی فرزند است. در ضرب‌المثل ۳۱، نقش حمایتی مادر در چند سال اول زندگی کودک مدنظر بوده و به‌تصویر کشیده شده است. مضمون ضرب‌المثل ۳۲ بی‌بدیل بودن مادر و جایگاه وی در خانواده است.

(و) زن و صبوری: ۳ مورد از ضرب‌المثل‌ها نیز به بردباری زن و تشویق وی به تحمل ناملایمات زندگی اختصاص دارد.

نمونه‌ای از ضرب‌المثل فارسی یافت نشد.

۳۳. آنا صبری بؤیوکدور

ʔana sæbri bojokdur

برگردان: صبر مادر زیاد است.

۳۴. ائولره گئدن قیزین دلی آلتیندا قند گرک.

ʔevlæræ gædən gizin dili ʔaltında yænd gæræk

برگردان: دختری که به خانه بخت می‌رود باید زیر زبانش قند نکه دارد.

جملات معلوم، ترکیبی از ساده و مرکب هستند. نوع جملات اسنادی و وصفی است. وجه جملات نیز خبری است. واژه‌های مادر، صبر، دختر و قند مؤلفه‌های گفتمان‌مدار این نظم گفتمانی شمرده می‌شوند. گوینده این ضرب‌المثل‌ها زنان و مشارکین نیز زنان (مادر و دختر) هستند. مخاطب ضرب‌المثل ۳۴ نوعروسان هستند. از آنجایی که در ابتدای زندگی مشترک اختلاف بین عروس و خانواده شوهر اجتناب-

تحلیل گفتمان جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های ترکی _____ زهره عزتی و همکاران

ناپذیر است، بنابراین به آن‌ها توصیه می‌شود که در برابر بدرفتاری‌ها سکوت کنند و اصطلاح قند زیر زبان گذاشتن به این معنی است که تلخی گفتار دیگران را با شیرینی قند رفع کنند.

۴-۵. بازنمایی خشی

در این گونه بازنمایی هیچ گونه قضاوت و داوری درباره زن صورت نگرفته است. نکته جالب اینجاست که در ضرب‌المثل‌های ترکی این نوع بازنمایی با ۶۸ مورد، بالاترین فراوانی بازنمایی را به خود اختصاص داده است. در ادامه نمونه‌هایی از این نوع بازنمایی ارائه می‌شود:

نمونه از ضرب‌المثل فارسی: «چادر سنگر زن است».

۳۵. بیر قیز بیر اوغلانیندیر

bir giz bir ?oylanındir

برگردان: هر دختری برای یک پسر است.

۳۶. قیز آنادان اؤیود آلار

giz ?anadan ?yjud ?alar

برگردان: دختر از مادر یاد می‌گیرد.

جملات معلوم، ساده و از نوع اسنادی و وصفی هستند. وجه جملات خبری است. واژه‌های دختر، پسر و مادر مؤلفه‌های گفتمان‌مدار هستند. گوینده این ضرب‌المثل‌ها در بیشتر موارد زنان هستند. دختر، پسر و مادر مشارکین موقعیت‌های توصیف‌شده هستند. مضمون ضرب‌المثل ۳۵ این است که بالاخره هر دختری ازدواج خواهد کرد و ضرب‌المثل ۳۶ الگوبودن مادر برای دختر را بیان می‌کند و اینکه دختر در هر زمینه‌ای مادر را سرلوحه خود قرار می‌دهد.

۵-۵. بازنمایی مثبت / منفی

در ضرب‌المثل‌های ترکی ۳ مورد مشاهده شده است که در آن‌ها زن هم‌زمان دارای ویژگی‌های کاملاً متضاد و به عبارتی دوگانه است. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

نمونه از ضرب‌المثل فارسی: «زن جنس غریبی است عاقل‌ها را دیوانه و دیوانه‌ها را عاقل می‌کند».

۳۷. آرواد وار، ائو ییغار، آرواد وار، ائو ییخار

ʔarvad var ʔev jiyar ʔarvad var ʔev jixar

برگردان: زنی هست که خانه جمع می‌کند، زنی هم هست که خانه را ویران می‌کند.

۳۸. گلین وار گه لر - گتیرر، گلین وار گندر - ایتیرر

gælin var gælær gætirær gælin var gedær ʔitirær

برگردان: عروسی داریم که با خود خیر و برکت می‌آورد، عروسی هم هست که برکت را می‌برد.

جملات معلوم، مرکب و از نوع وصفی هستند. وجه جملات نیز خبری است. واژه‌های زن، جمع کردن، ویران کردن و برکت از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار به‌شمار می‌روند. مشارکین موقعیت‌های توصیف‌شده زنان (در نقش همسر و عروس) هستند. گوینده این نوع ضرب‌المثل‌ها در بیشتر موارد زنان هستند. مفهوم ضرب‌المثل ۳۷ این است که زن با مدیریت خود می‌تواند مرد را صاحب خانه و زندگی کند و یا بالعکس با سوء مدیریت و عدم درایت باعث سرنگونی مرد شود. ضرب‌المثل ۳۸ نیز به این باور خرافی یعنی خوش‌قدم/ بدقدم بودن عروس اشاره دارد.

نکته قابل تأمل این است که بر اساس نظر لازار^{۱۷} (۲۰۰۵: ۱۴۶) *Feminist critical discourse analysis: Gender, power and ideology*، در تمام جوامع مفهوم جنسیت به‌عنوان ساختاری ایدئولوژیک درک می‌شود که بر اساس رابطه سلسله‌مراتبی برتری و فرودستی مردم را به دو طبقه اجتماعی و نه جنسیتی برتر مرد و فرودست زن تقسیم می‌کند که مواد آن در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت فرق می‌کند. به نظر می‌رسد که جامعه ترک‌زبان آذربایجانی و قشقایی از این قاعده مستثنی است. نتایج این تحقیق نظم اجتماعی ویژه‌ای را در جامعه ترک‌زبان نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد در آن روابط قدرتی به صورت تقریباً یکسانی بین زنان و مردان تقسیم شده است و البته مردان بدون قدرت بیشتر و یا مزیت خاصی در نظر گرفته می‌شوند.

۶. نتیجه

در این پژوهش به دو سؤال پاسخ داده شد: نخست اینکه بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های ترکی به چه صورت است. همان‌طور که از جدول ۱ بر می‌آید تقریباً تعداد بازنمایی‌های مثبت و منفی از زن در ضرب‌المثل‌های ترکی به یک میزان است (تنها با دو درصد اختلاف بازنمایی مثبت بیشتر است: ۲۹/۵۱٪ بازنمایی مثبت و ۲۷/۷۱٪ بازنمایی منفی). اما در بیشتر موارد تصویری که از زن ارائه می‌شود، تصویری خنثی و عاری از هرگونه ارزش‌گذاری است (۴۰/۹۶٪ بازنمایی خنثی). توزیع این بازنمایی‌ها در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی و مطالعات فمینیستی تحلیل شد تا بتوان درک عمیق‌تری از کارکردهای پیچیده قدرت و ایدئولوژی در گفتمان و روابط سلسله‌مراتبی مناسبت‌های اجتماعی مربوط به جنسیت را در جامعه ترک‌زبان ارائه داد و شیوه‌های پیچیده‌ای که در آن ذهنیت‌های عامه را در رابطه با جنسیت که اغلب بدیهی در نظر گرفته می‌شوند، به بحث و چالش کشید. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تبعیض و نابرابری جنسیتی در ضرب‌المثل‌های ترکی به‌ندرت دیده می‌شود.

از سوی دیگر، نگارندگان درصدد درک آن دسته از معانی و مفاهیم در رابطه با زن بودند که در ضرب‌المثل‌ها تولید و بازتولید شده است. با تحلیل ضرب‌المثل‌ها به این نتیجه رسیدیم که زن در فرهنگ ترکی جایگاهی والا و ارزشمند (ضرب‌المثل‌های ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶) دارد. توانایی و قدرت زن چه به‌عنوان همسر و چه به‌عنوان مادر (ضرب‌المثل‌های ۲۷، ۲۹، ۳۱) ستودنی است. از آنجایی که تحلیل گفتمان انتقادی به‌خصوص رویکرد فرکلاف در جست‌وجوی مناسبات قدرت است، باید گفت که قدرت نه‌تنها بین زن و مرد تقسیم شده است، بلکه بین زنان براساس نقشی که در خانواده ایفا می‌کنند نیز تقسیم شده است. در این تقسیم‌بندی مادرشوهر بیشترین قدرت و عروس کمترین قدرت را دارد.

همان‌گونه که بیکر^{۱۹} (۲۰۱۱: ۲۰۹) در کتاب خود با عنوان *Discourse and gender*^{۲۰} نیز بیان می‌کند، ارتباط میان جنسیت و زبان همیشه در حال تغییر است و اغلب پاسخ به شیوه‌های فکری است که روابط جنسیتی را تعیین می‌کند. بنابراین، انجام تحقیقی مشابه در مکان‌ها و یا زمان‌های دیگر و یا حتی با داده‌هایی از گونه‌های دیگر

زبان ترکی که در نواحی مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد، احتمالاً نتایج دیگری را در پی خواهد داشت.

پی‌نوشت‌ها

1. Lakoff
2. Mills
3. Mood
4. Halliday
5. Matthiessen

۶. تبعیض جنسی در ضرب‌المثل‌های فارسی.

7. Mmadike

۸. برداشت ایگبوها از زنانگی: شواهدی از ضرب‌المثل‌های جنسیت‌زده.

۹. Igbo: یکی از زبان‌های آفریقایی که در نیجریه کاربرد دارد.

10. Meshesha

۱۱. تصاویر منفی و تعصب‌آمیز از زنانگی در ضرب‌المثل‌های ولاتا.

۱۲. Wolaita: ناحیه‌ای در جنوب اتیوپی.

13. Social practice
14. Discursive practice
15. Discursive features
16. Order of discourse
17. Lazar

۱۸. تحلیل گفتمان انتقادی فمینیستی: جنسیت، قدرت و ایدئولوژی

19. Baker

۲۰. گفتمان و جنسیت

منابع

— استوار، نوذر (۱۳۹۲). *برگزیده اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های ترکی قشقایی*. شیراز: قشقایی.

— پاک‌نهاد جبروتی، مریم (۱۳۸۱). *فردستی و فردوستی در زبان*. تهران: گام نو.

— پرستش، شهرام و فائزه ساسانی‌خواه (۱۳۸۹). «بازنمایی جنسیت در گفتمان رمان (۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴)». *زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)*. د.ا. ش. ۴. صص ۵۵-۷۴.

— ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۸). «بررسی ضرب‌المثل‌های فارسی در دو سطح واژگانی و نحوی». *فنون ادبی*. س ۱. ش ۱. صص ۵۷-۸۰.

- (۱۳۹۲). *فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی*. ج۲. تهران: نشر علم.
- رضایی، حمید و ابراهیم ظاهری عبده‌وند (۱۳۹۴). «جایگاه زن و خانواده در ضرب‌المثل‌های بختیاری». *فرهنگ و ادبیات عامه*. س ۳. ش ۶. صص ۲۱-۴۲.
- زاهدی، کیوان و آسیه ایمانی (۱۳۹۰). «زن در ضرب‌المثل‌های انگلیسی: رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی». *نقد زبان و ادبیات خارجی*. د ۴. ش ۷. صص ۸۱-۱۱۳.
- سرودلیر، عظیم (۱۳۹۳). *ترکی حکمت لی مثل کر*. مشهد: شاندیز.
- عزیزی فر، امیرعباس (۱۳۹۲). «زیبایی‌شناسی ضرب‌المثل‌های کردی ایلامی از دیدگاه علم بیان». *فرهنگ و ادبیات عامه*. د ۱. ش ۲. صص ۱۰۹-۱۲۸.
- علی‌نژاد، بتول (۱۳۸۴). «بررسی مبانی شناختی مقوله‌جنس در زبان فارسی». *نشریه دانشگاه ادبیات دانشگاه باهنر کرمان*. دوره جدید. ش ۱۷. صص ۷۴-۱۰۴.
- محمدپور، احمد و همکاران (۱۳۹۱). «مطالعه تفسیری بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های کردی (گویش سریانی - مکرانی)». *زن در فرهنگ و هنر*. د ۴. ش ۳. صص ۶۵-۸۳.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۹۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*. تهران: هرمس.
- یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس (۱۳۹۳). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- Baker, Paul (2011). "Discourse and gender". Eds. Ken Hyland and Brian Paltridge. *The Continuum Companion to Discourse Analysis*. London: Continuum.
- Fairclough, Norman (1989). *Language and Power*. London: Longman
- Lakoff, Robin (1973). Language and woman's place. *Language in Society*. Vol.2(1). pp 45-80.
- Lazar, Michell M. (2005). *Feminist Critical Discourse Analysis: Gender, Power and Ideology in Discourse*. New York: Palgrave MacMillan.
- Meshesha, Make Jobo (2016). "The Prejudiced Negative Images of Femininity in Wolaita Proverbs". *International Journal of Society, Culture & Language*. Vol.4(1). pp 58-68.
- Mmadike, Benjamin Ifeanyi (2014). "The Igbo perception of Womanhood: Evidence from Sexist Proverbs". *Research on Humanities and social sciences*. Vol.4 (18). Pp. 98-104.
- Nakhavaly, Fakhteh & Sharifi, Shahla (2013). "On Sex Discrimination in Persian proverbs". *Theory and Practice in Language Studies*. Vol. 3(1). Pp. 195-200.

